



سیایه ۲۵۰
ششماه ۱۴۰
برای کارگران و کشاورزان و مسکین
و کارمندان جزء دولت مدعی بیست تلفیق
منظور میگردد
بهای آمیخته با دفتر اداره است
جای اداره:
(خیابان لاله‌وار - پاساژ بهار)

آژدر روزهای یکشنبه سه شنبه پنجشنبه منتشر میشود
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

در کاخ وزات دربار چه خبر بود؟

مشاهدات من
اظهار بدهد. محسوسا مسائل اساسی
و مهمی مثل تقسیم ثروت کثرت امروز
روشن ترین منزهای شیخ آژدر است
تمام اصلاحات اجتماعی میباید از گران
جهل از زبان جوان روشنفکر خارج
بشود شکست یست. بانی دوسمه ۴

در مجلس شورای ملی

بک نظر آقای درخصوص شاه و ارتش

ما امروز سرزهای خود را که در
مجلس غیر رسمی اظهار کرده بودم در
سرمقاله منسوب اینکه آقای دکتر
مصدق را که از روی کمال صمیمیت با
توجهات مجلس گفته شده است برای ارتش
شمن مطلب و جلوه گیری از سوره ناهم
در اینجا نقل میکنم.
آقای دکتر مصدق پیشنهاد داد که
سورتن زور تقسیم این اطلاعات و وزارت
جنگ مجلس شورای ملی باشد. بفرستد.
ضمنا بیانات زیر را ایراد کرد. بنده
خود پیشنهاد توضیحات زیادی نمودم
مقدمه پیشنهاد یعنی مطالب ذکره
که صلاح است برای جلوه گیری از سوره
قلم و حفظ مصامت کشور چنانچه آقایان
اجازه دهند و سابق تصویب نسکری داده شود
(نمایندگان بر مایه) آقای گلرو وزارت
جنگ در ضمن بیانات آقای ایراد
تیورک در تعقیب پیشنهاد خود کرده
بودند (آقای امیر تیور در ضمن پیشنهادی
گفته بود که دو سابق تصویب رسیده
بودند که ستاد ارتش فقط در مقابل وزارت
جنگ مسئولیت دارد و باینکه از روابط
جسم باضمی با هر سخن باشد از سر تعقیب
دعایت پرسیده که آیا این موضوع نقل
شده یا به اجتناب استوار است - سر تعقیب
دعایت اشاره کرد که در محسوس قوانین
اساسی و سازمان ستاد ارتش باید جریانات
و ابرش شاه رسانده و این البته در مقابل
جلس شورای وزیر جنگ مسئول است) که
لازمست توضیح داده شود. بنده هم
برای آنکه سوره قلم بنده جدا دور تمام
شود اشاره کردم که در این مجلس من شاه
را از شاه بدین صورت دارم زیرا شاه
کس است که مرا از زندان بیرجند نجات
داد (در این موقع زائر شدیدی به دکتر
مصدق دست داد) و اگر کار بود من
آنها نقل شده بودم و اگر هم امروز
زنده ام خود را برای خدمت بکشور می
خواهم و بهین دلیل دارم که دوست
دارم زور او را برای شکرش در دست
دارم در این است. تقاضا دارم چه بر مایه

از طرف شاه اظهار عقیده کردن
برای تیب من کار دشواری است منکر
است یعنی با پیشنهاد و بیاباوسی و
دانش منم بکنند یا بکنند فلاه
ماز معیبا با یوری اغراض کوچکتری
از اصول و بر بنسب اجتماعی خود
متصرف شده است. بعضی ها بنی آنها
که گوش پوست و استخوان و منز و
روانشان با چالوسی پرورش یافته است
میکنند که بگویند من که زبان دو باری
بله نیستم عنوان و القاب بوج و وصل
آنها را بکار نمی برم نباید در موضوع
شاه بیاد نویسم با وجود این شهادت
خود را خواهم نوشت -
در چند شماره پیش با ستاد اظهارات
مدیر روزنامه اطلاعات در موضوع
(تقسیم غیر عادلانه منابع ثروت)
روشنی که شد اینگونه آژدری خود را
همی بکنند - آژدر من تصور میکردم
که شاه بنده برای خوش آینه مردم
این حرف را زده باشند و در ضمن
آن احساس ناراحتی و دوبر خود دوستم
آسیب کردم که ایشان جوان ساده
بی اطلاعاتی نیستند از اوضاع کشور و
حال ایران مردم بی خبری باشند می
بینند. می شنوند. می فکر می کنند
احساسات خود را بزبان می آورند و
میخواهند برای رفع بیادگری ها که
پایه آن روز تقسیم غیر عادلانه منابع
ثروت قرار گرفته است قسمی ابر برداشته
شود.
من در ملی شن این فکر در این
مقاله بی نظیر تمام بکنم این موضوع
میخواهم جدا جدا -
که در صورت من احساس کردم
که شاه فرهای خود را از زوازا لیزند
پوشید مردم نشناختند. محسوسا
موردت خود را من تشخیص داده است
مردم گرامی بگویند من شاهد شمرده شدم
در اجراء امور مسئولیت و دخالت
ندارم. دولت باید روی قانون و اصول
مدوم گرامی مسئولیت دارد بکنند منابع
بدیشنها و فقر و منکث هزار بگیرد -
من سلطنت میخوانم که حکومت
من قوانین را باید امضا بکنم. نهم
و اجراء آن بخواهد معالی دولت است
با وجود این منم یکی از افراد این
کشورم میتوانم در مسائل اجتماعی نظر
خود را بگویم به نظر من ق. غیر
عادلانه بکنند ثروت برای میمن من
ظرفکاران و مضر است. بقمینده شاه
می دارد مشاهدات خود را به زبان
بیان کرد و آنها را حتی دو مطبوعات

آیا قائم بشک بازی و نقشه های پنهانی ساعد ایران را بخطر نمیگشاند؟

آیا سزاوار است ساعد ها و کاکتر ظاهر بها که عقب ماندن ترین عناصر این کشورند با سر نوشت ایران بازی بکنند؟

چرا مجلس موضوع نفت و پیشنه های شوروی و رفتار زیر جلگی دولت ساعد را روشن نمیکند؟

فصلنامه جبهه آزادی

کابینه ساعد ایران را به پر نگاه فضا هیمن

بالله توجه به بر این اوضاع داخلی و ظهور حوادث و دنگ در نقاط
مختلف کشور و با نمان نظر با اوضاع و احوال نامش آژدری که در روابط سیاسی
ایران با دولت متین و هموار ظاهر شده است این حقیقت مسلم می شود که بقای
حکومت ساعد ایران کشور جز یک محرمه دشمنانی که در تحت تاثیر بیابان
دیگری ندارد.

مشاهدات من

از انبوهی جبهه آزادی بحکم وظیفه وطن پرستی و به منظور دفاع
از منافع ملی و خات اوضاع با بیوم هم وطنان خفاظر نشان ساخته و باغ
نسیانگان صالح و آزادی خواه مجلس شورای ملی انتظار دارم. بدون
ثروت و ثبات و مناس و شکرش را که در راه حفظ و حریات و مصالح
کشور بر میوه دارند ایفاء نموده و عدم اعتدال خود را نسبت بکابینه ساعد صراحتا
اعلام نماید.

ساعتی چند ماه زمامداری در کابینه قبی و فعال خود کشور را دچار
اختلال و هرج و مرج کرده اند. نه در سیاستها و نه در امور اقتصادی و نه در
روابط خارجی ساعد از هر ایدیه و اجرام و حکومت باغضال این حکومت
آنها و نته های غایب انگیزشدهای و توطئه و فساد استناد ساعد در ارومیه
واقعه خونین و کشتار شیخ مردم تبریز و قتل وزارت الملک شاهرود و باز بهای
خانان ابدی ارتجاعی و روشهای وسوسان و تسلیح فنی ایلات و عشایر جنوب و
گروشی ابدی تیره روزی دروازه اصول مالوک الطوائف و جنوب و تحریک
آنها برنده قدرت مرکزی. آنچه در صحنه و صحنه انگیزی های ابدی نهاد و
اختلال در سایر نقاط. اینها دیگر حوادث شوی که در سایر آنها نهاد
عکس انسانی از خود نشان نداده سول است بلکه با سول انگیزی و سکونت خویش
آنها نشسته و فساد و راهه جا دادن زده ثابت و مسلم می آید که حکومت
چند ماهه ساعد ایران را مالا باقی بر کرده اند. و زمینه بسیار وسیعی برای
کارگیری های خطرناک تری فراهم کرده است و مجموع این حوادث منتهی هادوت
و توانایی ابدی کشور را بهر دست منقول داده و ترسناک مناب را برای اصلاحات
اساسی از ایرانیان ربوده و زمینه را برای توطئه های ضد استقلال ایجاد
نموده اند.

کابینه ساعد شیوه این مقدمه خانیان بر اصلاح افکار شده با تدریج
انرا مکتوب و خطرناک و همشور و بهر جهت نسبت بصالح ملی و جنبی باواری
عناصر بدما و و اینها بیانات قانون شکنانه بر سر است های حسان کار آمد و روش
های هم امورا توجها: آزادی میباید که در توطئه های ضد استقلال و توانایی
های غیر بیگانه کشور شده است. سوره استفاده از آنها باید آید.
ساعده که با ذائقه حق جناب و جیره ظاهر اصلاح و شهرت غلط بوطن
پرستی روی کار آمد و در ابتدای امر از روی عصبه و تزویر با آژدر خواهان
بیز غزه گرفته آغاز کرد و بنیای تمام عملیات خود را بر مردم و سواستی
بانی دوسمه ۴

مخبرین ما اهی

آلمان بمنزله پیمان دوست

در حال انتظار

نظار دفاعی زیگنر که شدیداً تحت
فشار قرار گرفته و حتی نظری که
از باره ای خبرها مستند می شود در
بعضی نقاط شکایاتی از آن برداشته
است ...

مشاهدات من

منطقه منعی دوه در میان گاز
اندر تیورمه و وسیعی واقع شده و
مراکز منعی (سن) (دو-بورک)
(بو) و (یو) و ... زیر کوله های
توتونه است و سنگین و در تحت تاثیر بیابان
های هوایی در شرف انهدام قطعی
است ...
ارتش سرخ از جانب غاور فشار
بانی دوسمه ۴

در مجلس شورای ملی

بک نظر آقای درخصوص شاه و ارتش

شاه بموجب قانون اساسی هیچ مسئولیتی
ندارد (صریح است) شاه در امور اداره
ملکیت من هیچگونه دخالتی ندارد
مصدق است بنده این عزیز را برای
چه می کنم غیر خاطر خود شاه زیرا که
شاه مسئول شد بنده بشود گفت بر روی
اگر مسئول نشد منو الله بهر حال محسوسا
میخواهم که شاه مطالبی باندک هدیه
تواند بیاورد و من برای تسویه مقبول
وزارت جنگ این را میگویم که وقتی بخود
اعضای من تبریز میروم واتی که در مجلس
در طرف این سالها میبینم دست
منوجه باند و قانون اساسی را در نظر
بانی دوسمه ۴

سئون بی ربط

کار هیات امتهاداران مجلس

بکلی معزین با دولتی ما اطلاع
میدهد که آقای سید میثم طباطبائی
پرواضه کف بیانی میباید که گام
جدیدی بهما کرده اند. در ادای مجلس
که راه مجلس را کف بیانشان منحصرا
گرفته اند و بهای اشعراست سراج
خود بیانشان در حوزت داشت
دیگر نیز این توانایی را در حوزت داشت
بهین دلیل است که متقدم ایرانیان و
پرکردن و سوره صورت شکست یک
دستخاات که جز اینها بیفته نکند گاهی
ندارد هدیه ای امکان خواهد داشت ما این
سنتها را مابغ این که نجات با
شوات موابغ آنهایی که در واقع خدمت
وهرانی اگر سرشور می باشند حال
بود و نراحت و عداوتنا را تعریف کنند
هیئت منقول بوده و هستند و خواهان بود
و احتیاجات منسوب با استقلال نفات
ناراضیه آنکه این صورت بر این آنها
تسبیل حاصل است آنها را بهر گونه
چنانک ویرانه اندالی این دولت نداده
بانی دوسمه ۴

بقلم یکی از قضات

حلیه استقلال قضات باخود آنها است

مسکن است تصور شود تصویب لایحه
استقلال نفات اینها را در تابت
طرف میگویند دیگر کسی تفاهات است
قضات حلیه و با کامانی و متصرفند
آنها را از لایحه کاشانه شان دور نماید
اگر ما در همین جا که ما میگویم که
بلکه بودیم شکرش بر روی این انگیزی
است لیکن بیوجه قابل اعتدال خواهد
بود زیرا آنرا فقط در دگر گزانی
و در مقام عمل هرگز بگردش نخواهم
رسید فریاد هر وزیر با یامان و با
آنها می که قنلا و قضات نفات در کف
قدرت آنها است بخواهند دادری را در
آینده خلاص لیب و روابطش نیز دهند و
منظرف خدمت نمایند هر میباید به
خواهد شد و وزیر غریب خود توبه
مهران و صاحب اختیار این دیگر توبه
خواهند گفت: غیر شریب چه چیز اگر
فرقان است در در زمان این شجاف
بنشانی تالیبی که در گذشته نیست بحکم
ناهم در بدایم در آیه هم خواهیم دید
آن قدری که توانست امروز دگر شود -

بکلی معزین با دولتی ما اطلاع
میدهد که آقای سید میثم طباطبائی
پرواضه کف بیانی میباید که گام
جدیدی بهما کرده اند. در ادای مجلس
که راه مجلس را کف بیانشان منحصرا
گرفته اند و بهای اشعراست سراج
خود بیانشان در حوزت داشت
دیگر نیز این توانایی را در حوزت داشت
بهین دلیل است که متقدم ایرانیان و
پرکردن و سوره صورت شکست یک
دستخاات که جز اینها بیفته نکند گاهی
ندارد هدیه ای امکان خواهد داشت ما این
سنتها را مابغ این که نجات با
شوات موابغ آنهایی که در واقع خدمت
وهرانی اگر سرشور می باشند حال
بود و نراحت و عداوتنا را تعریف کنند
هیئت منقول بوده و هستند و خواهان بود
و احتیاجات منسوب با استقلال نفات
ناراضیه آنکه این صورت بر این آنها
تسبیل حاصل است آنها را بهر گونه
چنانک ویرانه اندالی این دولت نداده
بانی دوسمه ۴

بصاحت گفتر اخبار بقیه مقاله انتقاد به کتایهی آقای زرک علوی ماند برای شماره بعد

آلمان همزاه

یوماری است روز حال استقلال

شود روزنامه داده در حد صد است با باری
سباهان آلمانی را که طبق اطوارات
مستور چراغ در این جهت چندین مقام
منطقه با خبری است از این بر دارند .
کنرانی مسکو خربت شدیدی بر بزرگ
نقشه ای جنگی و سیاسی بر این وارد
آورده . . . مبارزستان و در طرف صورت
است و فریاد های استهزاء آذربایجان
برای استقلال از سربازان و سباهیان
که روزی در اثر فرار و سایر مردم سباهان
آلمانی در پیوه های شوروی و چیه
ایجاب از دست داده است و با زانو بدون
تنبیه مانده است . . .

راه بر این بر روی جبهه شوروی
و سباهان متفق و صلحگرا از است و
حالت اختار و اختلاف جنگی آلمان
بطور اجتناب از بلبرستی در آرزو رسیده
است . . .

در مقابلک چنین شرایط و اوضاعی
رواقت هیتلر و دامه اوزان نوری ناصر
داران و فرماندهان ارتش شغرت تیره
شده ، جبهه داخلی مانده تیری که تحت
نشار شده بر آزار دارد همواره آمده
جوش اختار و اختلاف جنگی آلمان
همه که به نتایج و معجزات اسامه
های سوری بر بوده ، هیچکس از این
موضوع استهزاء و ناکی ندارد و بیداد
که سبب قتل می اختار زرک
بر روی روز و سبوه رسیده همه چشم ها
آلودن ناظر قدم های است که به سوی
برلین بر داشته میشود . سر استوت
چنگ بزک در آینه زدنگی تبیین
مسگرد و ملت آلمان از زور و ستمگرا
گری های یاران هادی میاید .

خط استقلال قضات

بخشود آزما است

بقیه از صفحه اول

از موازده است بکشیمه و ناگفته که پیش
موقوف ظلم و سبوه ستمند و عدالتیان
و مرامت بساخته است . سر آران است که
استقلال قضات صلاحیستونی در آینه که
مانده ، دوراهی دیگرمان نشود عزیز
در دانه ها بود بر پیشه ، با تعلق تجارب
تختیاب گرامت که نا گزاهی حساس
دورست احساس ناعلم است این قافله
نا تضرر است خواه بود سبب است که در دوره
های پیش استقلال بر کرده همان روش
و امر بر روشنگر و زور داری خواهد بود
لیکن دادوستد که در آینه استقلال عدل و
انصاف باشد ، راستا باخته با اصل قافله
بوده تقاضای عدالتیان لایحه خواهد نوشت
و عدالتیست گندمها مگر که تعزیرات بیقیم
که چنانچه بر سر راه آزادی و وصف صورت
لایحه استقلال قضات تبیین داده است و میباش
این بر معازات خود شاهد قضای سزونی
با منظر خدمت با تعزیرات است که زیر
در بیانان قابل صلاح خود و در مقاومت
و بیته و بیم آن داشته ، نطق و بصابت و
مشکلتان میباش ، به روز هم در صورت
با مقاومت جری خیز خواهد کرد چهار
شود ما در مقدمه استقلال قضات اصلاح
خود وزارت داد ستوری را از اول و اول
بخشداریم آنچه اختصاصی که خلیفه این
وزارت است ، عدالتی و متوالی این امر خواهد
و متصل و متجانس با این اطاق اطمان
بالای قتل می شود و مشاغل دادگستری
را الهی التعلیق برای خود سزونی می
کردند باید در مشاغل تجدید نظر فرمایند
آید که در امور ماری که ما را است که
در صحیح و امر و ستم سازد با بد بخش
و زور و تبیه و زور و تهمتی بر بی با شوهی
مقدمه میبوی بدیهی است . به نتیجه سالم
نیزان و سرانگه هم مقفود بود و داد
عدالت باشد و مقفود است ای باشد که متفقین
و سربازان زور و ستم نتوانند بیل و
اراده خود را در اختیار بگیرند و اگر منظور این
است که ناشی میباش صرفاً این بوده و جز
مقررات و قوانین و نظامات متوجه هیچ جای
دیگر باشد باید به از تصبیه و ضمانت
و دادگستری قضات با سالم و بد اوزان
داده و امر و جرایم را با سایر ادرات دولتی
متعلق نبود و در خارج از این قضات شغرت
عدالت آلمانی که تحت نظر یک کمیسیون
عالم انتخاب میشوند هر که با رخا و
لغات و استمداد غر غرا و تهمتی
خون که در هر جای نایبنا ما افرا میزای
کشیم که نهادهای دانش نامه و له پیشینه
کل وقت ناظر سر نوخت ملت آلمان
میباشد .

بنظر آقای زرهان وزیر راه باز بوی شاهلی بندر شاه

در راه آخن شمال هم بقو: بقور
معبود است . از یک طرف روسای
استکامها با فروش واکرن هاسرما به
های بوم زده و از طرف دیگر
بر اساسه بیسناکنکاران در آمد شراری
برای مامورین این سامان ایجاد شده
است .

علا ماوراء ماخ بکصد و هشتاد
هزار تومان تحت اختار محسن قاضی
(که سابقاً وزیر قمار مسافری بوده و
از هزاران افرا بدون طبق پول می
گرفته و قبیل بنای در آمد راه آخن
صادر سبک کرده به هوش واجب زده)
نام با بیری شغرت گمارده شده و کسی
نمیباشد این میان چگونگی خرج می شود
لازمه کو چکنشین گرفتاری دوران هوش
نست کویا از ما به طولانی که در
حان اعتبارات با و اختار تهمتی نامبر داده
شده و همایه ماخ دوستی در اوزان
تحت اختار و هوش بیسناک نام با بوری
شهر شاه گمارده اند که آن هم در
هزینه طول ماه ساترن است آخر هر
ماه پولی است از آن گرفته با شرفانات
بصرف میسر است .

لذا از آقای وزیر راه می خواهیم
فورا مامورین سزونی را تعزیرات کرده
سخت است قانون سزونی در اختیار دیگران
کرده .

ما اطلاعاتی در مورد عمل مامورین
در راه آخن شمال داریم که مرتباً خواهیم
نکاشت .

مخبر مرید ، بندر شاه ، میرزا زمانی

موثیگها

داستان موثیگها از جبهه طرف تریه
آقای کریم کشادور از جانب اخراج خود
اداره آذربایجان برای مردم بفرست
می رسد .

های اضافی هستند میباید با رعایت های
بکار مشغولند اینها این گل های سرسبز
ایستاده هستند که بدون کوشش و فقه و تطویل
برای جهانی که بیگنج است اولی است بر تکه
تربیع و اوتانده مقام موفق شوهنویز
میباشیم همایری و اگر در دادی می گره
کیانات و هیجوتان در آدرستی یانی
هسته اینها سوره می که آن تریه بی
برش از قضات تقسیم میشد کارت دعوت
نداشتند و همین جاده سه می نام آورید
آسوده ساختن قضات اطلاق مادی از
اهم قضات اصلاح طلبان است گریه
قضات با کدامین سنگ بشکمی می بندند و
بر ذات و دوات ایستاده و خالی این تنها
کافی نیست قاضی باید حکمت میر و
فکرت آسوده و وجدانشی رامت باشد
مطابق که تکرار شود در این جا بس میاید
یست این است که آقای وزیر دادگستری
با موسسات بر انگیزد که قوانین و نظامات
منشوش و بشکافد از امور ترموری
خارج گردد بیاید از جری برای متجاهل
و عفت افزاده می مانند ما قابل عزم و
اجرا کردد .

دیگر آنست که نسبت بویکتاب نایبندان
مجلسی که اغلب پاره های مهم منسلکت اند
همه مزایای دیگر در انحصار آلمان است
وصحاکم از سر موهوبه ضلوع و صعوبت
پارلمان خود میبازند میباید نظر بدل
آذربایجان شغرت سبب بازم در آن تکه گفتگو
خواهیم کرد .

چاپخانه داوه

معاذت ابدی بقلم ایران زاده

بچه خور

صدای دگترس از پشت در شنیده میشد .
- خوب این دمه چندم است که بچه مرده مرا می
دفعه دوم .
- از شما تعزیرات .
- معلوم بود عیش مریش شغرت سومی مداخله کرده بود .
- صفت وضع حیات هر دو دفعه نامی بوده .
- به خاتم
- گفتم خاتم تعزیرات .
- در این مواقع کس چیزی گفت کوی مریش باشد ولی صدای بی اندازه
ضعیف بود .

- شوهرتان مریش است
- نظیر خام اما سزمن هیچ مرضی ندارد سزمن ناچار بوده . . . خوب
- حالا این او را کارش بکسایه کشیده . . . ای غوثه کسی که سبب بدبختی سزمن
شده و بیرون بته اشافه .
- پس دیگه . . . داد زدن و سینه کوبیدن یعنی چه اگر بکنم دیگر
فضولی کردی بیروت منبیکم نمیفیدی . . . عجب گیری افتادم بی . بکره . . .
بیم شوهرت مریش بوده یا .
- مریش جواب داد
- بین داری که هیچ مرض مریش نبوده
- مریش جواب داد
- تقریباً سنی چه تقریباً که جواب شد
- باز زن سومی مداخله کرد
- چه چیزایی نیست خانم فقه کمی سفایس داشته اونهم بکسالی و بیو پیش
بوده که تمام شده رفت .
- دیگر تقسیم چه گفتند از جا بر خاسته و از اطان خارج شدم خصص
لاغر در همان جا نشسته بود و ناخن های دستین را با شغرت دانان می
گرفت و با دهنه کوی سبیلش و گرفته بدبختی بدبختی گوی میبوهان خوش
و عذاب دهد . نس دانستم چکار کنم . بر گفتم تا وارد اتاق شوم که
بعلاغر کشوری چند لفظ پیش افتادم . او سزمن از خانه بیرون روم که نکالم
بچشمهای غرن آورد آن خصص که دیوانه و او بین بی نگریست بر خورد نکالم
کردم میبوهاد فریاد بکشد و اول چیزی نکند و سرش را با این اساعت می
اختیار وارد اطان نشدند و روی سفیدی اش شستم .
- در اطان بیخاری باز شد و همه بیرون آمدند . زن فضول گفت
- عذاب که این بچه مامور شده
- معلوم نیست ممکن است سالم هم سزایت کرده باشد
- دگترس این سینه و جان ما بوسه اندا کرد که زن مریش در جای خود
ایستاد چشم های متعیرش را و طرف دگترس سر دوخت و ناگهان برانو افتاده
سرسره بود که در بزدهای بسته بود مسموم در آغوش گرفت ، او هیچ نکمت
حسی گریه هم نکرد فقط روی او زشت سر هم گوله های رنگ بریده . برا
بوسید تا بالاخره بیحال دگترس بیرون درواز کشیده گفت دگترس سر فورا بر
سوزش آید سر بریده شود . شروع کرد زبر آن زرمه کردن .
- پس هر استکان با دستهای پرینه زن او گرفته بود . و سیاه بدست بگش
را بدندان گرفته با چشمان متعیر بیادش مینگریست .
- در هوش بوش چشم چنان بی اعتناء بنظر می آمد مثل اینکه هیچ حادثای
رخ برده بود . مینگس مریش بسهم آمل میر زن از یکطرف و شوهرتی از
طرف دیگر ز بوشی رفته او را کمک کردند . بیوهان اینکه از وقتن شوهرت
بود او دوران دوران از یک پن با این روش . مریش بنظر من مقبولی لاغر آمد
سکه بی شهابت به میسه ای از مور زور ساخته باشند لور چادرش از سرش
باین افتاده و هوای سیاه و زلویید . اش بر روی شاه اش بازرگانه بود او
همواره با صدای بسیار ضعیف میبازید و چنین بنظر میاید که انگار بترین بادی
با وجود در میان جان خود خواهد داد .

سگترس سر مور جان خود داد و به وارد شد . و با تمام کسایتی بدش
بر سر صدای ای افاد

هشتمین گزین محترم

اگر روزنامه شما نتاستد ده تریسید به تان ۷۶۰۰ بکاه و بکاه روزنامه اطلاع
دهید تا فورا روزنامه شود .

برشش های میهن را انگار میگویم

روزنامه ما بجز برشش زبیرا از شرکت تلون کرده است
که ما ما بجز تبیین آرا تا جواب شرکت تلون تکرار
خواهیم کرد .

چون هر کس شرکت تلون مرابه می کند با جواب سربالایی رسد که در
کوبیده نبر ، دعایم در مین حال شماره تلون در بازار سیاه تا مباح بنج - رار
تومان خریه و فروش میشود .
مهدا برشش متعیریه که چنگه به منقاز بی (سکلا کفر و شیزه)
و امثال ایشان تا پنج شماره تلون داده شده است چرا که کسی که بیشتر از یک و
دو شماره تلون دارند نسبیکر . با یک تکاملی اجتنابی راز را نیاندازد .
از آقایان سفیدی و اعتبار داری جواب میخواهیم ۱۴-۷

در کاخ وزارت دربار چه خبر بود؟

شاه چگونگی صحبت میگرد؟

نخست وزیر چه می گفت؟

معدنات دوام بدون منفی
چیز بنویسم. از این جهت فراموش کرده
نویسم که صحبت سرمرامی روز سه
وزارت دربار بود.

در این موبای همه از نایندگان
و روزنامه نگاران خودرودانند اما حضرت
شاهم صمیم و وارد شدند.

پس از شرفیاد سده و ششاد خود شاه
گفتگرو باو تک تک آغاز کرد از آقای
و جویان وضعت بیارستان قویان را
پرسیدند. در جویان که هیبت مترصد نصرت
هستند موعظا منتقم خود شاه کاتل کار
و از شرح اربابان. شاهده روز دادند از وجه
منضمی که از وزارت دارائی طلب دارند
میفای با آن تک نصیب را داده بود و در موعظ
بهادری بندر بود و سوز و زخم «توبه»
منضمس اظهار کردند. مخصوصا راجع
به توفیقهای وزارت دارائی. مخصوصا راجع
گفتند این بندو نوزاد فرنگ امروزی
جلیاست شوهرهای دیگر آبداد بودی
مناسبت آبداد شوهر فانی ترش و زویانی است
باید در آبدای بندت کرد.

در موعظ بود هفت تیر فرزند بود
که موجب نماند است که بیارستانهای
تیریز هنوز نطقول است. شاه از موعظ
استفاده کرد. موعظ تیریز بنظر وسامند
که اگر عواید شپردای تیریز مخصوصا
فروردی و ملاخانه و غیره تمام سابق اختیار
شیر و شردی. سرخ گدانه گفتند و از آن
واه به بهداشت تیریز مساعدت خوبی
خواهد شد.

اصولا شاه نظران این بود که
شهر دادها بیارستانها داشته باشند تا
بیژان استیجاب استیجاب تا بنین کنند
و آسایش مردم بر افرام نمایند. علاوه بر این
نظران این بود که هر چه زودتر تمام
افکار عامه بر پایه یاری و آگری و
تجسس بود. میگفتند بر پایه مالاریا
خرام و امراض مغزنی باید امدان جهاد
کرد.

گفتگو کم که جریان دوستانه و
وصیایه پیش گرفتند با بدون تواف
و قید و ملاقه صحبت میکرد.
میگفت خیرامان یکی از استثنای
خوب اربان استولی متناقله تیریز بود
آلبیا خیریلادی شیوع پیدا کرده است
من در وزارت و سوز و زخم به هم بر میخورد
یک گرفتار میسر میباید بود و «ادوات»
خیلی گران است. میگفت اگر کسی یکلاب
بفرماید سالمه طول میکشد تا جوابی باو
بدهد. میگویند عصر سرعت است باو
بالاخرت یکملکت متدنی سفینه گندی
گالاریا و لبرود متدنی به همراه او
خلق میکنند

کم کم حرف حرف با آورد گفت
خود شاه حرف سر سربیدید که اگر بکن
کنیدند هر دو بیرون می آید. فراموش کرده
بودم که شاه داد در حرف میزند. نشان
و ابکی از جوانان و روشنگر منضمی می
دیده که شاه در مسائل ادشاهی بی باک
فقط با حق میکند.

میگفت «شاید بیشتر از ده میلیون
عمرای این کار هر چه بود شده از
داخل وزارت خارج میزند یعنی که این
موضوع رشتند و با استاده داد تا امروز
هیچ کاری نشده. هیچ کس نرسیده. قدمی
بر نداشته اند. منم که بستی بر اوها چه
هده من خودم وقتی که دو گرگان بودم
و هیبت آلبیا شیوع خراب بود گانم

بلاخره من شاه را یک جوان روشن
نکر معاصر دیدم که با پشت و زرنگ
و بی اطلاع و بیکاره هیچ جور نیامد
شاه میگفت «مقصود از وقت گرفتن
است و نصفت و ز را ایدامنی این حرف
و نهمیده بود او میکان فرماندار و
واستان دارو تکرار میگرد

بشیدم من شمار قدرت قانون و
که از زبان شاه بیرون آمد میباید نصرت
کرد در کشوری که قول یکی از آقایان
با بر او باشد لیون دادوس نه بوم
انجاف میگفتند فیراز تلوت قانون
چلوه دیگر نیست

مادر مرشد از ترداب اعیان قانون
که قضا بدادرت قانون با اعیان قانون

قطعه‌نامه جبهه آزادی

بقیه از صفحه اول

بناهند و با نردستی بر طاری بازگاز و فت. سلطنت را بیوده تلف نمود. بنا به
استحضار هم رضایت و نرفت. همی از خرابکاریهای دکتر میسبو و منضمه من
بر امتیاز اربان و برای امرار وقت و ایجاد جاعت منضمی خود نمود
باو بیست و زگری مشغول شد و بالاخر هم بوضع اسرار از تیری تسلیم هوا و همی
دکتر میسبو گردید.

کابینه شاه با تمام هیاهو و جیغالی که برای استقلال قضات راه انداخت
علا امتیازت فدائی را از زمین بر و علاوه بر اینکه از تسبیح میزبان چنانکه
و خلائین مردم و از این زمان که کورس جاگیری میکرد با پیشنها لایحه
استخفاف مردم و از تقاضا کردن کورس اربان بر علیه قانون اساسی و حکومت
مالی قیام و اقدام نمود.

در سیاست خارجی و حفظ روابط دوستی و مودت ملت ایران با متفقین
معتز و همسایگان و روایات ترا کنهای سیاسی و به ساعد بقوی شده آید و منظر نازک
بوده که موقوفی بر آن تصور گویست.

دورم تمام از کارهای خود ساعد ثنرات اینها. مدا کوری ها و جان
نفاذ میباید. اینها که از ملت ایران در راه پیروزی آزادی براهین استبداد
و ارتجاع و پیش انانی منحل شده بود. ضایع ساخته و با ناز و هنر غائله لایحه
روابط ما را با همسایگان جنوبی و شمالی ما باجا های باریک و حساس رسانیده است.
نسبت بهمسایه جنوبی بنی انگلستان که به مهم آزادی و ماد و در کراس میانی است
ساهد با نفاذی گیری همی. سوه تبغ خاصی احساسات شری از مشهورین آتها را
بناحق بر علیه مردم و موعظوات اربان بر میانگردد و همچنین شده ایجاد تنه
تولید کوروت رجاوی گوشه در موعظ سوه تها. تها. حاصله نامعاهای همراستا آها
را باست و بیای خود میباید اند.

روابط حساسه مالی ما ممال با اینها خود که از زمامداریش سزوری
معمره و با استوارت خاصی بارش شرکت ها وارد موقوفات و مفاکرات مقرر
شده و معضومات با اهلیاتی امتیاز نفت بشرکتها کی هوبت و تأییدت آها هم
مشکوک بود. ملت ایران از در مفاصل عمل انجام شده قراوه معذرتی برای تسرب
ساهد اربان نقش خود بر اجاره میسب شورای ملی مشاور خارجی بود. هوبت. تنوع
اینگر بر خلاف استیکت و ارتکاب سیاسی با ننداد و هوجه خاصی حق حاضر میباید. هوبت
پیشنها ایفای دوروی می نمایند.

ملت ایران هرگز نیتواند این روش ناپسند را قابل قبولداند و بی هیچ وجه
نیتواند در زور برای این مسائل جهانی ساکت بنشیند.
از این موعظ که در این زمان با بنی استوارت مباح بر خورداری کامل
حاصل میگردد و از اجاد مشقات و هفتاد لاری ای خود در راه پیروزی خود ما بهره
مند گردد و از این روابط. شورای میباید. نظم مالی و جوی خود ساعد ترا
استفاده را برای آزتبات آید. خود بنایک متناقله آلی ساعد وضعتی را
ایجاد کرده و هر گز نکتد که در رابط بر صدقات دوداد ایران و متفقین را ساعد
و تیره می سازد.

جبهه آزادی از ذکر جزئیات و تشریح یک اقدامات مفرد ساعد که
رو به رفته استقلال و حیثیات کشور اربان و بی نظرمی این اقدام خود داری
دارد و استاز به برهات اول. مساعدت کشور و متناقله مالی و در این میدان که
آسایش ساهد بیدرنگ متناقله زمامداری و ترک نکتد و وظیفه آلبیا. دگان
ملاقات به حیثیت کشور و در این میدان که در این امر حیاتی درنگ و
چاپز نشماره.

جبهه آزادی مستند است که اگر آقای ساعد با آن چه ظاهر و نموداری
که در آقا ام بر وطن پرستی مینمودند کوچکترین ملاحظه ای به حفظ مصالح کشور
داشته باندند خود باید توبه داشته باشد که دیگر قضات ایشان از مرام افتاده و
یزد و با تزیور ایشان در به شوم قضی است که تقدیم استخفاف از مرام آید.

تهران ۲۶ مرد ۱۳۳۳ - جبهه آزادی

نیوانیم خود را بکاروان تمدن رسانیم
فرماندارو استن دار آنگان ساعد
هدای فائز با طفاشان بقصدی ما را
بپیر آلهای بیست هینتمو فرزندانه
ما متونم خواهیم بود
بنظر من اگر شاه راهی را که پیش
گفته انداختید بکنند موفقیت بزرگی
یفا خواهند کرد. بر خصوصاً احترام
قانون معالمانه درواضع کشور با نظر
سکریتی آرزوی منتظر ردا. در ریاست
پسندیده است که شاه مشروطه و ریاست
از بدیک میکند این قانون را هم به نظر
این بود که تشکیلک دولت مشروطه
کنند و مسامحه از ملت خود شده است
منضمردا در موعظ از بدیک بان
کرگان مینک بود. متناقله. عقیده
کرده گنند مردم این همه چیزها و
می بینند که از ادراک اینها و مایوس
می شوند.
این کمالا صحیح است گنند شاهرها
خلایع کبیر
۱- دولتمادر علیه بر پایه ای و اگر کرد
۲- دولتمادر گنند میکند
۳- مایین از دودار دولتی نزدیک
مشاهده میشود
۴- برای زلزله زدگان کارهای

احساسات مردم ستان
از ستان - احکامات محترم و بیه مجلس
شورای ملی و وقت از کسبون حزب
توده آقای ماری سانبه ستان مردم
و دبیران ستان طراورن و روحیه ۲۲۲۲
در ساعد ۴ به اظهار نظر طرف ستان
کار کردار و پیشه در ستان ستان
دروای آزاد مملوک ناسانی چله
سعدنی را با حضور کاز کارگران و
اهالی شهر توده آقای کبیر استیکل
و بدایت مجلس از طرف ایشان در موعظ
و دبیران ستان و یکا کی اربان و در موعظ
ختم چله از طرف سوه شرکت گنندگان
در میتنگ تصمصوری وری اختیار نامه
آقایان ساعد دوری و شعر و - شعوع
انتخابات در کار قضا. کردیک از طرف
شرکت گنندگان با پیشنها بلخان را
میرام حسن قاضی موی زاد ابوالفضل
کبیرا همی از طرف سوه ساعد
ستار موی عبدالهی.

انجام داده شده است
۵- قانون اساسی و امات و مایاب طرد
مساولی مراعات بکنیم
۶- مقصود از قوت قدرت قانون است

بقیه از صفحه اول

آتری

برک نظر کلی

در خصوص شاه و آرنش

بقیه از صفحه اول

بگیرند که در این موعظ اول ۱۹۴۱ و
۶۴ قانون اساسی (فراموش کرده) و وقتی
ما این اصول را با وضعت حکومت تطبیق
کنیم نتیجه این میشود که شاه یک مقام
تشریفاتی دارد و اگر قراز باشد تمام
تشریفات در حکومت ذلت کند دیگر
ما مشروطه نخواهیم داشت و اگر قراز باشد
هل و اصب وزرا و اصحابات و این
فرمایشاتی که ای (رویکبیل و زوات
چنگ) فرمودید و توضیحی که در اطراف
حکومت موقراسی دادند باین ترتیب
باشد دیگر غیر مستول نمی شود
بغدادند متناقله قسم است میترسم که باو
من متناقله این شاه را خراب بنند
شاه هم صاحب بدندان و در باران شدن
خراب کرد و فرانسوی سرخ و شارب کرد
اورا از جاده صلاح فلاح خارج ساخته
انچه خبر شاه است ما باید بگویم ما
شاه را در صورتی باو از مشروطیت است
مهم نیوانیم بر طرف کنیم (صحیح است)
فرمایشات جناب آقای کبیل و زوات چنگ
در این موعظ من اندازد شما با بفرمایند
از برای تشریح آنگان ۴ دستور
شخص «صحیح است» بنده آساکون
سماچار با شرح شرایط شمام و محضوران
عرض کرده ام که اهلیضرتا سلطنت شما
در دویچ خود ایدمه بعد یک اشیا کنه
سحاب خود را حسابان ایدمه و در بیان
تفریق کبیل زیرا رضاهای باسد این بان
کدری بنی سانبون است و اگر او را با
دوستان در حساب معطوط شما هم
ناچار من میباید (صحیح است) و
سورتی که این شاه باشد با بیدید صحیح
محارط میباید و اگر معطوط کبیل بنیوانید
باید (صحیح است) شادور این شخص
باید از ایدمه شام مشرق بگریزد صحیح
است «غایب ایدم را دور او» و آسانی کرده
مجلی خود گنندت و در این آروانه
سرمعه علیه شاه جازه معین کرده بودند
بدست خود امضا کرده و گفت من مال
ملکیت منست به مال پدرم شاه محارط
من با کلبان و آرنش می فرمودند گفتند
مهم به نظر میگویند و خواهم کرد در هر
کردم به تراتوت حتی من سفرد جلالت
دولت مهم حاضر نشودید و کرا هلا مداخله
نکنید و ایشان با کمال مرحمت بر ما
نکنید و توبه فرمودند بنده این هراس
آورد که در خصوص سوه توده خود
بفرضی که بجزایر شاه میروند اینها را
بخوانند و شاه را برای ملکیت بخوانند
(صحیح است. احسنت)

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول